به نام خدا

نقش حكمروایی خوب شهري بر كيفيت زندگي شهری

دکتر رضا معصومی راد[[1]](#footnote-2)

چکیده

امروزه کیفیت زندگی شهری و ارتقاء آن به هدف اصلی بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مدیران شهری تبدیل شده و به عنوان شاخصی برای ارزیابی و نظارت بر عملکرد تصمیم‌گیران و مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد. وجود مشکلاتی مانند ضعف منابع درآمدی، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی، سنگینی ترافیک و تراکم خودروها و اتلاف وقت شهرنشینان در ترددهای شهری، کمبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، کمبود مراکز درمانی، گرانی و کمبود مسکن مناسب، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی، تغذیه نامناسب، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی محیط، کمبود فضای سبز، کمبود امکانات فرهنگی، ورزشی و فراغتی، جرائم، ناامنی و آسیب‌های اجتماعی و ... زندگی شهری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و بر لزوم توجه به کیفیت زندگی شهری بیش از پیش افزوده است. در این مقاله ابتدا مختصات و ابعاد حکمروایی خوب شهری و کیفیت زندگی شهری بررسی تبیین می‌شود و سپس وضعیت کیفیت زندگی شهری در شهر تهران از طریق فراتحلیل تحقیقات انجام شده و شاخص‌های بین المللی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در انتها با بیان نقش و تأثیر حکمروایی خوب شهری برای تحقق توسعه پایدار شهری، پیامدها و آثار آن بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری و کاهش جرائم تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی:

حکمروایی، حکمروایی خوب شهری، کیفیت زندگی شهری، توسعه پایدار شهری، تهران

# مقدمه

گرایش انسان به زندگی در شهر با میل بشر برای رفاه و امنیت تبیین شده است. (باندز، 1390) در واقع انسان برای تأمین امنیت و رفاه بیشتر شهرها را پدید آورده و استقرار پرستشگاه‌ها، معابد، کاخ‌ها، انبارهای آذوقه، مازاد تولید و تراکم ثروت در شهرها؛ اقتضای توجه به نظم و امنیت شهرها از طریق برج و باروها و قلعه‌ها را در شهرهای گذشته فراهم می‌نموده و امنیت و رفاه را برای ساکنان شهر به ارمغان می‌آورده است. حتی در شهرهای امروزی، تفاوت‌ها در قیمت زمین و مسکن در نواحی مختلف شهری را هم می‌توان با عواملی چون میزان رفاه و امنیت مدل سازی و تبیین کرد. بر مبنای همین روند ، رشد شتابان شهرنشینی و شهری شدن بخش قابل توجهی از جمعیت جهان نیز قابل درک خواهد بود. افراد به دنبال کسب عدالت، آزادی و رفاه بیشتر، کسب درآمد و شغل مناسب تر، امنیت و امکانات بیشتر روانه شهرها شدند. به رغم چنین تمایل و انتظار، تراکم بیش از ظرفیت جمعیت شهرها و کمبود منابع و امکانات در کلیه ابعاد موجب شده تا اغلب شهرها، با افت شدید قابلیت زندگی، زیست پذیری و کیفیت زندگی مواجه باشند و با مشکلاتی چون نابرابری، آلودگی، فقر، بیکاری، جرم و ناامنی موجه باشند. از این رو امروزه شهرها با چشم‌اندازی دوگانه و متناقض‌نما مواجه‌اند. از یکسو شهرها محل تمرکز امکانات، تأمین نیازها، کانون‌های توسعه، پیشرفت، تحرک و رفاه قلمداد می‌شوند و از طرف دیگر محل تمرکز و کانون مسائل و مشکلات هستند. شهرها گرچه ظرفیت جذب و شکوفایی سرمایه‌های اقتصادی و انسانی را دارند ولی جرم و جنایت، ناامنی و آلودگی و اتلاف وقت و شلوغی و اذحام جمعیت و تنازع و درگیری و سردی روابط اجتماعی و مشکلات عصبی و نظایر آن را نیز با خود دارند. اغلب مشکلات زیست محیطی منشأ شهری دارند. 80 درصد از گازهای گلخانه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی متمرکز در شهرها نشأت می‌گیرند. فراوانی و استمرار جرائم و بزهکاری در مناطق در حال گذار مرکز شهری حاکی از این است که ناپایداری و آشفتگی فرهنگی بستر مناسبی برای فعالیت‌های نامشروع فراهم می‌کند. با توجه به رشد حاشیه نشینی و گسترش بی قواره و بدون برنامه شهرها و اسقرار مجرمان و بزهکاران در این مناطق، گسترش جرم و جنایت و آسیب های اجتماعی در شهرها دور از انتظار نیست. «همانطور که زمانی جرم به آشفتگی اجتماعی مناطق مرکزی نسبت داده می‌شد، حالا گفته می‌شود که حومه‌های بی‌قواره، تضعیف‌کننده مسئولیت‌پذیری شهرنشینان و ارزش‌های مشترک بین آن‌هاست.» (باندز، 1390: 195)

براساس برآورد بانک جهانی تعداد فقرای شهری تا سال 2025 تقریباً به بیش از 1500 میلیون نفر خواهد رسید. حداقل 600 میلیون نفر که بیشتر آنها را فقرا تشکیل می‌دهند در شرایط تهدیدآمیز بهداشتی در محیط‌های شهری آلوده به سر می‌برند. یک سوم ساکنان شهری در مسکن غیراستاندارد زندگی می‌کنند. حداقل 250 میلیون ساکن شهری هیچگونه دسترسی فوری به آب لوله‌کشی سالم ندارند و 400 میلیون نفر از امکانات بهداشتی مناسب برخوردار نیستند. همچنین بسیاری از مراکز شهری در محاصره مشکلاتی چون افزایش جرم و جنایت و بزهکاری، فساد و رشوه خواری و جرائم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، فحشا و نظایر آن قرار دارند. (World Bank, 2011) این مسائل و مصادیق نشان می‌دهد که در زندگی رو به گسترش شهری کیفیت زندگی واجد اهمیت فراوان است، که توجه برنامه‌ریزان توسعه، مدیران و دولتمردان را به خود جلب می‌نماید. در مدل‌های اخیر توسعه که از سوی سازمان‌های بین‌المللی ترویج می‌شود، برای بهبود کیفیت و قابلیت زندگی شهری و نیل به توسعه پایدار شهری، الگوی حکمروایی خوب شهری مطرح می‌شود که بر مبنای آن می‌توان سلامت، نظم و امنیت را با پیشرفت و رفاه به صورت توأمان محقق کرد. نظریه‌ی حکمروایی خوب شهری که مورد پذیرش نخبگان و صاحبنظران و تأکید سازمان‌های جهانی و به ویژه مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل موسوم به هابیتات قرار گرفته، درصدد است تا شهرها هرچه کارآمدتر، عادلانه‌تر، ایمن‌تر و پایدارتر شوند. از این رو بین حکمروایی خوب شهری، توسعه پایدار شهری و ارتقاء کیفیت زندگی شهری رابطه‌ی مستقیم و وثیقی برقرار است که در این مقاله ضمن بیان مختصات و ابعاد حکمروایی خوب شهری و مؤلفه‌های کیفیت زندگی شهری، رابطه‌ و مکانیسم اثرگذاری بین آنها تبیین می‌شود.

# حکمروایی خوب شهری

برایان مک لالین اولین نظریه پردازی است که در سال 1973 مفهوم حکمروایی خوب را مطرح کرد. (کاظمیان، 1386: 5) از نظر او "حكومت شهري" بايد نسبت به روندهاي تغيير در شهر پاسخگوتر[[2]](#footnote-3) باشد، اقداماتش با مسائل شهري و تحول آنها متناسب تر[[3]](#footnote-4) باشد، نسبت به اجتماع مسئول و پاسخگوتر و بعنوان بخش مهمي از نظام يادگيري اجتماعی بهتر عمل كند و سرانجام نقش مهمي در پيش بيني، كشف و استقبال از آينده ايفا كند. اين فرايند ها به وجود شبكه ارتباطات در داخل سازمانهاي رسمي حكومت ونظامهاي برنامه ريزي آن وهمچنين شبكه ارتباطات ميان آن سازمانها واجتماع ونظام هاي شهري آن بسيار متكي است (برك پور، 1388).

حکمروایی خوب شهری اهدافی چون : 1 – تأمین توسعه‌ی پایدار 2 – عدالت اجتماعی و 3 – مدیریت مشارکتی را با تأکید بر جامعه مدنی، دمکراسی، ارزش‌های بومی و محلی و اعتقاد به خرد جمعی دنبال نمود. بالاترين هدف حکمروایی خوب شهری، بهبود كيفيت زندگي و ارتقاء سطح خوشبختي و رضایتمندی شهروندان است.

براساس تغییر و تحولاتی که در رویکردهای اداره شهرها و ظهور رویکردهای مشارکت و اجتماع محور روی داده است می توان دو ویژگی عمده را برای حکمروایی خوب شهری برشماری کرد:

1 – تأکید بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و 2 – تأکید بر مبانی توسعه پایدار شهری که بر روی هم ارتقاء کیفیت زندگی شهری، رفاه و عدالت اجتماعی را مدنظر دارد.

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات[[4]](#footnote-5)) مهمترین سازمانی است که به تشریح اصول حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. از نظر این سازمان حکمروائی در جهان شهری شده امروز بسیار پیچیده و دشوار است و عوامل در هم تنیده و متعامل کثیری در آن دخیل‌اند. مدیران شهری با افراد ذینفع متعدد، منابع و اقدامات به هم وابسته، اهداف مشترک و مرزهای نامشخص میان بخش خصوصی و عمومی، رسمی و غیررسمی و بخش‌‌های جامعه مدنی و دولتی سروکار داشته و با چالش هماهنگی بیشتر، مذاکره و ایجاد اجماع - بین همه‌ی ذینفعان و کنشگران – مواجه اند. (هابیتات، 2001)

این نهاد برای تحقق حکمروایی شهری خوب، «رویکرد توانمندسازی»[[5]](#footnote-6) را برگزیده است. این رویکرد از راهبردهای متعددی تشکیل شده که عبارتند از: تمرکز زدایی[[6]](#footnote-7) از مسئولیت‌ها، منابع و حق تصمیم‌گیری[[7]](#footnote-8) و سهمیم کردن آن با مقامات محلی، محاسبه پذیری[[8]](#footnote-9)؛ تشویق مشارکت جامعه مدنی بویژه زنان در طراحی، اجرا و نظارت بر تضمیمات و اقدامات و تعیین اولویت های محلی؛ استفاده از شمار وسیعی از شرکت‌های بخش خصوصی برای رسیدن به اهداف عمومی؛ ظرفیت سازی[[9]](#footnote-10) تمامی ذینفعان و عاملان شهری برای مشارکت کامل در تصمیم گیری و جریان های توسعه شهری؛ توسعه امکانات و فن آوری های ارتباطی و اینترنتی برای حمایت از حکمروایی خوب و توسعه شهری پایدار.

در مجموع حکمروایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره‌ی امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده‌ی سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی به منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زندگی بالا و توسعه پایدار شهری تعریف کرد. از سوی دیگر باید متذکر شد، موضوع و دغدغه‌ی حکمروایی خوب شهری صرفاً مدیریت کارآمد نیست، بلکه دارای ابعاد سیاسی مرتبط با دمکراسی، حقوق بشر و مشارکت مدنی در فرایندهای تصمیم‌گیری است(هابیتات، 2001: 372).

با این مختصات، می‌توان گفت حکمروایی خوب شهری به نحوی ناگسستنی با رفاه شهروندان پیوند دارد و هدف آن فراهم نمودن بستر دسترسی زنان و مردان و کلیه اقشار جامعه به منافع و حقوق شهروندی است. حکمرانی شهری خوب بر پایه حقوق شهروندی، تأکید می‌کند که هیچ مرد، زن یا کودکی را نمی توان از دسترسی به ضرورت های زندگی شهری، شامل پناهگاه مناسب، امنیت مسکن، آب سالم، بهداشت، محیط پاکیزه، سلامتی، آموزش و تغذیه، اشتغال و امنیت عمومی و تحرک باز داشت و زمینه‌ا‌ی رشد و شکوفایی استعدادهای افراد جامعه و بهره‌گیری بهینه از منابع را برای نیل به رفاه، پیشرفت، نظم، امنیت و سلامت فردی و اجتماعی فراهم می کند.

**ویژگی های حاکمیت خوب شهری**

با توجه به تغییر و تحولاتی که در دهه‌های اخیر و در اثر فرایندهای جهانی شدن بوجود آمده است، حکمروانی نیز با ابعاد نوپدیدی مواجه شده که از جمله مهمترین آنها می‌توان به :

1 – تمرکززدایی 2 – مشارکت جامعه 3 – حاکمیت چندسطحی و 4 – سیاست‌های فرایندمحور اشاره کرد. (هابیتات، 2001 : 116)

سازمان ملل متحد ویژگی‌های مورد نظر خود را از حاکمیت شهری خوب به شرح جدول زیر ارائه کرده است. (عسگری، آ، 1378: 14)

ویژگی های حاکمیت خوب شهری

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| مشارکتی | پایدار | مشروع و مقبول | شفاف | توانا در برخورد با موضوعات و بحران‌های موردی |
| خدمت‌گرا | توانا در توسعه منابع و روش‌های حاکمیتی | اعتلا دهنده عدالت و برابری و رافع تبعیضات به ویژه برابری جنسیتی | اصل تساهل و مداراگر و پذیرشگر رویکردهای متنوع | توانا در بسیج منابع برای اهداف اجتماعی |
| عمل به حکم قانون | تقویت مکانیسم‌های بومی و محلی | کارایی و کارآمدی در استفاده از منابع | تسهیل‌گر و توانمندساز | تنظیم‌کننده و کنترل‌کننده |

همچنین در دومین کنفرانس ملل متحد در مورد سکونت‌گاه‌های انسانی، معیارهایی چون: پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانون‌مدار بودن و شفافیت داشتن، به عنوان ویژگی‌های حکمروایی خوب مطرح شد. از برآیند نظرات مختلف حکمروایی خوب، می‌بایست 7 ویژگی به شرح زیر داشته باشد. (تقوایی، تاجدار، 1388: 52)

1 – پاسخگویی 2 - شفافیت 3 - مشارکت 4 - انصاف و دربرگیرندگی 5 - اجماع‌گرایی 6 - کارایی و کارآمدی 7 - پیروی از قانون

این حکمروایی تضمین می‌کند که فساد به حداقل برسد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها مورد توجه قرار گیرد و صدای آسیب‌پذیرترین اقشار اجتماع در تصمیم‌سازی‌ها شنیده شود. هم‌چنین حکمروایی خوب شهری به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ میدهد.(تقوایی، تاجدار، 1388: 53) در ادامه برخی از مهمترین ابعاد حاکمیت خوب شهری تشریح می شود:

تمرکززدایی: برخی از این عناصر مثل تمرکززدایی یا اصلاح حکومت کلان‌شهری، جدید یا نوآورانه نیستند، اما منطق و مبنای آنها با دوره‌های قبلی تفاوت دارد. تا دهه 1980، بيشتر اين ديدگاه حاكم بود كه حكومت‌ها، واجد اقتدار و ظرفيت كافي براي ادارة امور و اداره سطوح مختلف هستند و توان صورت بندي و اجراي سياست و تحقق اهداف توسعه را دارند، از اين رو رويكردِ دولت مدار و تمركزگرا در اداره امور شهر مورد توجه بود. از سوي ديگر در مقابل، نظريه كثرت گرا اين نكته را مورد تاكيد قرار مي‌دهد كه دولت و متخصصان تنها بخشي از ساختار تصميم‌گيري و سياست‌سازي و سياست‌گذاري هستند، بنابراين علاوه بر دولت مركزي سطوح محلي قدرت و مديريت مورد توجه قرار مي‌گيرد. از اين ديدگاه اين مسئله مورد توجه قرار مي‌گيرد كه تصميم‌گيري امري جمعي است كه بايد با مشاركت همه گروه‌ها انجام گيرد (برك پور و اسدي، 1388: 144).

حكومت‌هاي محلي بيشتر انتخابي‌اند و اهداف عمومي را تحقق مي بخشند (سعیدنیا، 1380: 23)، و ماهيتي عمومي و اهداف محلي دارند كه پيوند زيادي با اجتماعات محلي به مثابه تامين كننده منافع مشترك شهروندان دارد.

تمرکززدایی به معنای تفویض اختیار قدرت، مسئولیت‌ها، منابع و مشروعیت، به سطوح زیر مجموعه ملی و گروه‌های منطقه‌ای تا ساختارهای درون‌شهری است. یکی از دلایل اصلی تمرکززدایی «ضعف‌های حکومتی یا اداری» است. بدان معنا که دولت قادر به شناسایی و حل مشکلات نیست. در حالی که به همین مشکلات و موضوعات در سطح محلی بهتر پرداخته می‌شود. (هابیتات، 2001: 116)

مشارکت: مشارکت اجتماعی، سنگ بنای حاکمیت خوب است. مشارکت می‌‌‌تواند مستقیم یا از طریق نهادها و نمایندگان میانجی قانونی باشد، اما آنچه مشارکت را اثربخش و کارآمد می‌سازد، جنبه‌ی آگاهانه و سازمان‌یافتگی آن است. ‌این بدان معناست که برای تضمین تداوم و اثربخشی و کارآمدی مشارکت باید نهادها، سازمانها و انجمنها و به طور کلی جامعه مدنی قادر باشد آزادانه به بیان دیدگاه‌های خود بپردازد، برای آن دیدگاه‌ها تبلیغ کند و در راستای دستیابی به جامعه‌ی مطلوب‌تر با گروه‌های دیگر همکاری، مشارکت و رقابت کند. هم‌چنین، باید زمینه‌ای فراهم شود تا مشارکت در فعالیتهای تصمیم‌گیران و نیز شریک بودن در منافع و مسئولیت‌های ناشی از تصمیم‌گیری صورت پذیرد. مشارکت زنان و مردان نقطه اصلی حکمروایی خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم و یا از طریق مؤسسات قانونی میانی یا نمایندگان صورت پذیرد. مشارکت نیازمند تشکل یافتن و سازماندهی است. این موضوع به مفهوم آزادی تشکیل مؤسسه و آزادی بیان از یکسو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است. (فرزین پاک، 1383: 70) مشارکت جامعه مدنی به قانون‌مند شدن ساختار سیاست‌گذاری محلی و در نتیجه کارآمدتر شدن سیاست‌های عمومی کمک می‌کند و به همین دلیل در بیشتر شهرها برای نفوذ و دخالت و مشارکت بیشتر جامعه حمایت‌های فراوانی صورت می‌گیرد. در این زمینه تکنولوژی‌های ارتباطی به ویژه اینترنت فرایند مشارکت و دخالت شهروندان را تسهیل نموده و هم‌چنین در برخی شهرها از آن برای رأی‌گیری و نظرخواهی از شهروندان استفاده می شود.

حاکمیت چندسطحی: حکمرانی چندسطحی شامل مجموعه‌ای از اقدامات مشترک مثل مشارکت، معاهدات، همکاری‌ها، توافقات و سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ... بین ذینفعان و عاملان امور مختلف شهر می‌شود. در این خصوص در بعضی شهرها این حاکمیت چندسطحی اغلب در ید اختیار دولت‌اند، اما در برخی دیگر بخش خصوصی‌، عمومی و نهادهای مدنی هم دخیل‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از تجربه کشور انگلستان به عنوان بهترین مدل مشارکت بخش خصوصی و دولتی در زمینه حاکمیت چندسطحی یاد کرد. (هابیتات، 119)

در این خصوص مدل تعاملی بین سه بخش دولتی، عمومی و خصوصی مورد تأکید است. زیرا با توجه به انتظاراتی که امروزه شهروندان، بخش خصوصی، دولت و نهادهای مدنی از مدیریت شهری دارند و لزوم مقابله با چالش‌هایی که ناشی از رشد شهرنشینی، جهانی شدن می‌باشد، راهبرد تقویت نهادهای مدنی و بخش عمومی و خصوصی، در اداره امور محلی بسیار کارساز می‌باشد. البته باید متذکر شد که هرچند جهانی شدن باعث تغییر بستری شده که دولت‌ها در آن حاکم‌اند، لیکن این به معنای تضعیف دولت‌ها و یا حذف نقش دولت مرکزی نیست بلکه تأکید بر این اصل است که عاملان محلی در تشخیص مشکلات و راه‌حل‌های آن بهتر می‌توانند عمل کنند و با مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی، بین سه بخش خصوصی، عمومی و دولتی پیوند برقرار نموده و بدین وسیله سرمایه اجتماعی در شهر نیز ارتقا می‌یابد. از سوی دیگر حاکمیت امور محلی به معنای عدم توجه دولت به مشکلات شهرها و محله‌ها نیست بلکه بدون حمایت دولت در پرداخت هزینه‌های عمومی شهرها و تخصیص بودجه عمرانی، مدیران شهری قادر به حل مسائل و مشکلات شهرها نخواهند بود. زیرا دولت هم‌چنان تواناترین نهاد برای تمرکز قدرت اقتصادی، نظامی و ارتباطی محسوب می‌شود (Faulk, 1999 به نقل از فالکس، 1390: 185)

وفاق و اجماع اجتماعی: در هر جامعه‌ای، بازیگران متعدد و دیدگاه‌های متنوعی وجود دارند، که بین آنها رقابت و گاه تضاد وجود دارد. حاکمیت خوب وظیفه میانجی‌گری بین آنها را به گونه‌ای انجام می‌دهد که برمبنای آن وفاق یا اجماع حاصل می‌شود و بهترین گزینه‌ها برای تضمین و تحقق منافع کل جامعه شناسایی و انتخاب می‌گردد. این مسأله در خصوص اداره شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا تصمیم‌گیری در امور شهری و محلی با وجود عاملان و ذینفعان متعدد با منافع متنوع، متغیر و گاه متضاد، بسیار دشوار و پیچیده است. در این خصوص حکمروایی خوب شهری درصدد بهبود میزان اجماع و در نتیجه مشروعیت و اثربخشی تصمیمات است. در حکمروایی خوب شهری، تأکید بر این است که با دخالت و مشارکت شهروندان، گروه‌ها، نخبگان، نهادها و مؤسسات ذینفع تصمیاتی با حداکثر اجماع و توافق اخذ و اجرا گردد. تصمیماتی که علائق و منابع گروه‌های مختلف را پوشش دهد و دیدگاه‌های مختلف را به بهترین نحو جلب و به کار بندد.

حاکمیت قانون: حکمروایی خوب مستلزم وجود چارچوب‌های قانونی عادلانه و اجرای دقیق و برابر و بی‌طرفانه آن است، مضاف بر اینکه باید از حقوق اقلیت‌ها و حقوق بشر حمایت کامل به عمل بیاید. این مقصود بدون دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس متخصص و اجتماع محور، قابل حصول نیست.

اثربخشی و کارآمدی: در فرایند حکمروایی خوب باید به بهترین نحو از منابع بهره‌برداری شود و نیازهای جامعه برآورده شود. در این شرایط باید از منابع طبیعی و محیط زیست به گونه‌ای بهره‌برداری شود که نسل‌های آتی نیز امکان بهره‌مندی از این منابع را داشته باشند. حاکمیت خوب به‌این معناست که فرآیندها و نهادها نتایجی را به بار آورند که نیازهای جامعه را تأمین و در عین حال از منابع در اختیار خود به بهترین وجه استفاده کنند. تأمین نیازهای جامعه بحث اثربخشی را هدف قرار می‌‌‌دهد و بهترین استفاده از منابع، کارایی را مورد تأکید قرار می‌‌‌دهد. همچنین مفهوم کارآمدی در چارچوب حاکمیت خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی حفاظت از محیط زیست است.

پاسخگویی: پاسخگویی و حسابدهی از ویژگی‌های حکمروایی خوب است. به این معنی که کلیه نهادها و مؤسسات اعم از دولتی، عمومی و خصوصی باید پاسخگوی مردم و همچنین مؤسسات ذینفع باشند. در مجموع باید سازمان و مؤسسات به کسانی که از تصمیمات آن اثر می‌پذیرند پاسخ دهند و این پاسخگویی مستلزم رعایت قوانین و شفافیت است. پاسخ‌گویی شرط اصلی حاکمیت خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعۀ مدنی نیز باید به عموم مردم و نهادهای ذی‌نفع پاسخ گو باشند. این که چه کسی به چه کسی پاسخ‌گو است بستگی دارد به‌این که آایا تصمیمات یا اقدامات اتخاذ شده در یک سازمان یا مؤسسه، درونی یا بیرونی هستند یا نه. به طور کلی یک سازمان یا مؤسسه به کسانی پاسخ گو خواهد بود که از تصمیمات یا اقدامات آن متأثر می‌‌‌شوند. پاسخ گویی را نمی‌‌‌توان بدون شفافیت و حاکمیت قانون اعمال کرد. (UN ESCAP,What is Good Governance? www. unescap. org)

شفافیت: شفافیت به مفهوم امکان دسترسی آزادانه و مستقیم افراد و مؤسسات ذینفع و اثرپذیر از تصمیم‌ها و برنامه‌ها، به اطلاعات است. شفافیت به معنای دسترسی به اطلاعات کافی و قابل فهم است. از این منظر مدیران و سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان امور شهری باید به صورت شفاف اطلاعات لازم را در اختیار شهروندان و ذینفعان شهری قرار دهند و سعی در پنهان سازی اطلاعات ننمایند. بنابراین شفافیت به‌این معنا است که اولاً، تصمیم‌های اتخاذ شده و اِعمال آنها به شیوه‌ای انجام شود که تابع قواعد و مقررات باشند، ثانیاً، اطلاعات مستقیماً و آزادانه برای کسانی که از‌این تصمیمات متأثر خواهند شد، قابل دسترسی باشد و به ‌اندازۀ کافی و به صور قابل فهم در رسانه‌ها ارائه شود.

مسؤلیت‌پذیری: حاکمیت خوب مستلزم آن است که نهادها و فرایندها سعی کنند تا در یک محدودۀ زمانی معقول به کار همۀ ذی‌نفعان برسند. ‌این امر زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای مسئول نسبت به خواسته‌ها، انتظارات و نیازهای افراد و گروهها احساس مسئولیت کنند.

انصاف و فراگیر بودن: رفاه و بهروزی یک جامعه وابسته به اطمینان از‌این موضوع است که همۀ اعضای آن احساس کنند که سهمی‌‌‌در آن دارند و احساس طرد شدگی از روند کلی جامعه نداشته باشند. ‌این امر‌ایجاب می‌‌‌کند که همۀ گروه‌ها و به خصوص آسیب پذیرترین گروه‌ها، فرصت‌هایی برای بهبود و حفظ رفاه خود داشته باشند. حکمروایی خوب قابلیت ایجاد رفاه و تضمین برخورداری از آن برای همۀ اعضای جامعه را داراست.

توجه به اصول و ابعاد حکمروایی خوب شهری نشان می‌دهد که تحقق توسعه پایدار شهری که در آن تعامل مولد و پایداری بین فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و محیط زیست برقرار باشد و نظم و امنیت و سلامت در کنار پیشرفت و رفاه حفظ شود، بدون درگیر شدن همه‌ي عاملان و کنش‌گران در تصمیم‌گیری و اداره امور شهر مقدرو نخواهد بود. بسیاری از جنبش‌ها، شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی و سیاسی در شهرها ریشه در عدم دخالت شهروندان در تصمیم‌گیریها و سپس مشارکت در اداره امور شهری دارد. برخی از متفکران در سطحی بالاتر حتی جرائم و انحرافات اجتماعی را نیز به مقاومت و اعتراض کنش‌گران به ارکان قدرت و ساختارهای حاکم بر شهرها نسبت داده‌اند. مثلاً فوکو، بارت و دِسرتو، خشونت، جرائم، انحرافات و رفتار بزهکارانه در شهر را در قالب مقاومت گروه‌های اقلیت و محروم در برابر نابرابری و بی‌عدالتی شهری مفهوم‌سازی کرده‌اند. فوکو با مفهوم هتروتوپیا قصد تبیین رفتارهای هنجارگریزی را دارد که درصدد ایجاد نظم فضایی دیگری به عنوان آلترناتیو در فضاهای شهری است. (تانکیس، 1388: 206) به زعم رولان بارت، رویارویی میان ذهن و شهر یک رویارویی مبتکرانه و پویاست که موجب می‌شود شهر هرگز کاملاً رام و مطیع و به تمامی آشنا نباشد. (همان، 206) میشل دِسرتو دربارۀ تاکتیک‌های فضایی سخن می‌گوید و نحوه‌ای که مردم و شهروندان از طریق آن با ساختارهای شهری مواجه می‌شوند. از نظر دسرتو، نظم شهر کاملاً تکه تکه است. به این دلیل که بازیگران و کنشگران شهری تکه‌ها و قطعه‌های فضا را به شیوه‌های دزدانه از آن خود می‌کنند و لذا نه می‌توان آن را برنامه‌ریزی کرد و نه از آن ممانعت به عمل آورد. (همان، 207) یکی از مضمامینی که دِسرتو به آن اشاره کرده، پدیده دیوارنویسی شهری است که حاکی از نوعی مقاومت و خشونت در برابر معانی و نظم تحمیل شده بر شهر است.از جمله تاکتیک‌های دیگری که دِسرتو در تحلیل خود به آنها اشاره نموده است می‌توان به اسکیت‌بازی در سطح شهر، خیابانها و پیاده‌روها و همچنین نامگذاری اماکن و خیابانها توسط مردم اشاره نمود. این نظریات نشان می‌دهند که کنش‌گران در برابر بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض از ابزارهایی استفاده می کنند که ممکن است شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی و حتی ناامنی و آسیب‌های اجتماعی را بدنبال داشته باشند. این مسأله اخیر به ویژه برای شهر تهران بسیار ملموس و قابل مشاهده است و می‌توان به نمونه‌های فروانی از اسامی میادین، خیابانها و معابر اشاره کرد که نامگذاری عمومی و اجتماعی آنها با اسامی رسمی آنها متفاوت است و در کاربردهای اجتماعی اصرار بر استفاده از نام‌گذاری عمومی و غیررسمی است.

# کیفیت زندگی

كيفيت زندگي مفهومي چندبعدي است و جنبه هاي مختلف عینی و ذهنی، مادی و معنوی، کمی و کیفی، فردی و اجتماعی، خرد و کلان و نظایر آن را دربرمی‌گیرد. در بعد عینی و مادي، كيفيت زندگي شامل استانداردهاي زندگي، امكانات زيربنايي، توليد اقتصادي، اشتغال، قيمت‌ها، قانون، سلامتي، سرگرمي، اوقات فراغت، فرهنگ و هنر و مانند اينها می‌شود. در بعدذهنی، کیفی و معنوی نیز ، كيفيت زندگي شامل تجارب و دريافت هاي شخصي و احساس امنیت، احساس رضایت افراد از زندگی در شهر است.

از مفهوم کیفیت زندگی تعاریف مختلفی ارائه شده است. از این رو بسياري از محققان براين باورند كه كيفيت زندگي مفهومي چند وجهي، نسبي، متاثر از زمان، مكان، ارز‌ش‌هاي فردي و اجتماعي است و لذا داراي معاني گوناگوني براي افراد و گروه‌هاي مختلف است. «برخي آن را به عنوان قابليت زيست پذيري يك ناحيه، برخي ديگر به عنوان سنجه‌اي براي ميزان جذابيت و برخي به عنوان رفاه عمومي، بهزيستي اجتماعي، شادكامي، رضايتمندي و مانند آن تفسیر نموده‌اند.» (Epley and Menon, 2007: 281 به نقل از رضوانی و همکاران، 1388: 93).

پسیون(2003) کیفیت زندگی را به طور کلی به وضعبت محیط زندگی مردم از نظر میزان آلودگی و کیفیت مسکن و هم‌چنین برخی صفات و ویژگی‌های موجود در خود مردم مانند سلامت و میزان تحصیلات تعریف نمود.

کوستانزا و همکاران (2007)، کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از شیوه مطلوب زندگی که در ذهن دارند، تعریف می‌کند.

داسن (2008)، کیفیت زندگی را به عنوان میزان بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌نماید.

**ابعاد کیفیت زندگی شهری**

اغلب محققان و صاحبنظران برای مفهوم کیفیت زندگی شهری دو بُعد عینی و ذهنی قائل‌اند که هر بُعد از مؤلفه‌ها و ابعاد جزئی‌تری برخوردار است. (دسیارت و دلر، 2000: 159) دسیارت و دلر بر این باروند که «کیفیت زندگی یک فرد وابسته است به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی که او از این حقایق بیرونی و شرایط عینی و نیز از خودش دارد. (لطفی، 1388: 69) «استفاده از مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند حداقل در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار بگیرد. مرحله اول زمانی است که برنامه‌ریزان قصد دارند تصویر صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در این مرحله برنامه‌ریزان درصددند تا اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردارند، مورد توجه قرار دهند که در این زمینه بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنما و الگوی بسیار مناسبی برای آنها باشد.

مرحله دوم زمانی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌بایست مورد ارزیابی قرار گیرند تا سودمندی و کارآیی و موفقیت آنها مشخص شود. در این مرحله نیز بررسی اثراتی که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر روی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌توانند، داشته باشند، راهنمای مناسبی را برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران بوجود می‌آورد. (لطفی، 1388: 68 و 69) با مروری بر تعاریف کیفیت زندگی می توان فضای مفهومی کیفیت زندگی را دارای ابعد زیر دانست: واقعیات عینی، ادراک ذهنی، برخورداری، بهزیستی، رضایت از زندگی، تأمین نیازهای انسانی، سلامت، رفاه و نظایر آن. كيفيت زندگي شهري معمولاً از طريق شاخص هاي ذهني حاصل از پيمايش و ارزيابي ادراكات و رضايت شهروندان از زندگي شهري و يا با استفاده از شاخص هاي عيني حاصل از داده‌هاي ثانويه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخصه‌ها اندازه گيري مي شود. (رضوانی، متکان، منصوریان، ستاری، 1388: 87) با وجود این برخی مطالعات اخیر سعی نمودند تا با تلفیق شاخص‌های عینی و ذهنی، شاخصی ترکیبی برای مطالعه کیفیت زندگی شهری ارائه نمایند و استدلال آنها مبتنی بر عدم رابطه‌ی همبستگی بین نتایج بعد عینی با نتایج حاصل از سنجش ذهنی کیفیت زندگی بوده است. مك كريا و همكاران(2006) در پژوهشي با عنوان نقاط قوت ارتباط بين شاخصهاي عيني و ذهني كيفيت زندگي شهري چيست؟ رويكردي تازه و بديع را در چگونگي سنجش كيفيت زندگي شهري در ادبيات مربوطه تدوين نمودندMcCrea, 2006,p : 84) به نقل از لطفی، 1388: 78).

بنابراین کل تعاریف کیفیت زندگی را می‌توان در سه دسته تعاریف عین‌گرایانه، تعاریف ذهن‌گرایانه و تعاریف تلفیقی دسته‌بندی کرد. تعاریف عین‌گرایانه بیشتر مبنتی بر داده‌های کلان اجتماعی و گزارش‌های آماری است که از طریق آمارگیری‌ها و یا گزارش‌های رسمی حاصل می‌شود و دربردارنده وضعیت‌ها و شرایط عینی ساختاری، اجتماعی، اقتصادی، مادی و فیزیکی یک منطقه یا یک محیط است. مانند نرخ میرگ و میر کودکان، امید به زندگی در بدو تولد، تولید ناخالس داخلی، درآمد سرانه، نسبت دندانپزشک به کل جمعیت، نسبت تخت بیمارستان به کل جمعیت، سرانه پارک و فضای سبز، سرانه زمین‌های ورزشی، سرانه مساحت مسکن و نظایر آن. تعاریف ذهن‌گرایانه مبتنی بر احساسات، اعتقادات، گرایش‌ها، احساس نیاز، احساس محرومیت و علائق ساکنان یک منطقه است و دربردارنده میزان احساس رضایت و احساس خوشبختی از زندگی در یک ناحیه است. تعاریف تلفیقی بر ترکیبی از این دو اتکا دارند و برآنند که با اندازه‌گیری هر دو بعد عینی و ذهنی به شاخص معتبرتری از کیفیت زندگی دست می‌یابند.

اشنایدر (1976) برای سنجش کیفیت زندگی در شهرهای آمریکایی ابعاد شش‌گانه درآمد و اشتغال، محیط زیست، بهداشت، آموزش، مشارکت و آسیب های اجتماعی را بکار برده است. (Massam, 2003: 123)

در مطالعه‌ی دیگری که به بررسی کیفیت زندگی شهری در تورنتو پرداخته است، برای سنجش شاخص کیفیت زندگی شهری پنج بعد حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و امنیت را در نظر گرفته است. (Healthy City, Toronto, 1993 : 198)

# مدل مفهومی نسبت بین حکمروایی خوب شهری و کیفیت زندگی شهری

با توجه به اهمیت الگوهای بومی و محلی در توسعه پایدار، مفاهیمی چون حکمروانی خوب، حکمروانی خوب محلی، حکمروایی خوب شهری و نظایر آن مطرح و به عنوان شاخصی برای ارزیابی عملکرد مدیران و ساختارهای اداری در مناطق و شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو بین حکمروایی خوب شهری، توسعه پایدار شهری و کیفیت زندگی شهری رابطه‌ی بسیار محکم و علت و معلولی برقرار است که بهبود و تحقق یکی منجبر به بهبود دو دیگر می ‌شود. با توجه به نقش دولت و حاکمیت در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه پایدار، می‌توان این رابطه‌ی علی را از جانب حکمروایی خوب شهری به سمت کیفیت زندگی شهری طبق مدل زیر ترسیم نمود. طبق این مدل کیفیت زندگی شهری نتیجه‌ی و محصول توسعه پایدار شهری است. توسعه‌ی که هم در بعد اقتصادی شکوفایی و بالندگی و استفاده بهینه از منابع زیستی را به دنبال د ارد و هم در بعد اجتماعی مشارکت و اجماع همگانی و عدالت در توزیع منابع و امکانات برای کلیه شهروندان را تضمین می کند. ضمن اینکه شرایط بهره‌مندی نسل های آتی از منابع زیستی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر توسعه‌ی پایدار شهری هم خود محصول و نتیجه حکمروایی خوب شهری است. مدل و ساختاری برای تصمیم‌گیری و اجرا که در آن مشارکت اجتماعی و اجماع کلیه ذینفعان و تعامل بهینه بین آنها و عدالت در توزیع منابع و حقوق و اختیارات بین کلیه کنش‌گران و عاملان شهری جزء اصول محوری است و بر دسترسی آزاد و بدون محدودیت به اطلاعات، نظارت و پاسخ‌گویی مدیران و مسئولان به شهروندان تأکید می‌شود.

### نسبت بین حکمروایی خوب شهری، توسعه پایدار شهری و کیفیت زندگی شهری

حکمروایی خوب شهری

(تمرکززدایی، مشارکتی، شفاف، پاسخگو، اجماع‌محور، مسئول، کارآمد، عدالت، ضابطه‌مند )

توسعه پایدار شهری  
(محیط زیست سالم شهری، اقتصاد مولد و پویا، اجماع و مشارکت شهروندان)

کیفیت زندگی شهری

(بهبود شاخص‌های عینی و ذهنی زندگی شهری یعنی ایجاد رفاه و بهبود و ارتقاء شرایط مادی و عینی زندگی و محیط شهری در کنار ایجاد احساس خوشبختی و رضایتمندی از زندگی شهری برای شهروندان)

# مطالعات کیفیت زندگی در ایران

علی‌اکبری و امینی (1389) به مطالعه کیفیت زندگی شهری در ایران به کمک شاخص‌های عینی شش‌گانه شامل مسکن، آموزش، بهداشت، ارتباطاتع انرژی و گردشگری نمودند و اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق منابع آماری و اسنادی گردآوری کردند. براساس نتایج این مطالعه ضریب برخورداری جامعه شهری ایران در بسیاری‌ از شاخص‌های مسکن، آموزش، گردشگری و برخی شاخص‌های بهداشت و سلامت طی دو دهه 1365 تا 1385 کاهش یافته است.

شاخص‌های بهداشت و سلامت به استثنای سرانه تخت‌های بیمارستانی، در مجموع ثابت یاقی مانده، ولی سرانه برخورداری شاخص‌های ارتباطات، انرژی افزایش یافته است.

فرجی، عظیمی و زیاری (1389) به مطالعه ابعاد کیفیت زندگی شهری در مناطق و نواحی شهری ایران بر مبنای آمارهای رسمی پرداختند. در این مطالعه از الگوی موریس برای سنجش کیفیت زندگی استفاده شد که در آن قدرت خريد، سطح سواد، اميد به زندگي به عنوان مؤلفه‌های کیفیت زندگی مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. از 253 شهر مورد بررسي، تنها 24 شهر ؛ يعني 5/9 درصد در سطح برخوردار قرار دارند. نزديك به 50 درصد از نواحي شهري مورد مطالعه به عنوان نواحي محروم هستند. تهران به عنوان يك ناحيه شهري ناهمگن، خود را از ساير نواحي شهري مجزا ساخته است. توزيع ناموزون سرمايه‌گذاري كشوري در بخش‌هاي مختلف منجر به شكاف توسعه تا ميزان 9/3 گرديده است. به زعم این محققان بالا بودن شاخص مورد نظر از مقدار 1 نشان دهنده شدت گسست توسعه است.

قالیباف و روستایی (1390) برای مطالعه کیفیت زندگی شهری در محله یافت‌آباد تهران از شاخص ترکیبی استفاده نمودند که دارای چهار بعد کیفیت حمل و نقل، کیفیت محیط اقتصادی، کیفیت محیط اجتماعی و کیفیت محیط فیزیکی بود و وضعیت سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی نامطلوب ارزیابی شد و فقط وضعیت حمل و نقل در حد مطلوب ارزیابی گردید.

ملکی و حبیبی (1390), به مطالعه کیفیت محیط و پایداری محلات شهری به روش ذهنی پرداختند و در آن ضمن برقراری ارتباط بین پایداری و کیفیت محیط، اندازه گیری کیفیت محیط را در چهار دسته کلی زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و کالبدی اندازه گیری نمودند.

غفاری نسب (1391)، نقش شهروندی فعال را در کیفیت زندگی را به صورت تحلیلی و توصیفی تشریح نموده است و بر تقویت شهروندی فعال تأکید نمود. مورد بررسی قرار داده است.

وصالی و توکل، (1391)، تأثیر سرمایه اجتماعی را بر کیفیت زندگی شهری در تهران بررسی نمودند. در این مطالعه مشخص شد ، همبستگی بالایی بین سرمایه اجتماعی به ویژه در بعد اعتماد با کیفیت زندگی شهری وجود دارد.

# کیفیت زندگی در شهر تهران

کلان‌شهرتهران به رغم اقدامات و برنامه‌های مؤثر و مفید در جهت ارتقاء کیفیت زندگی هم‌چنان با مسائل عديده‌اي چون ترافيك و پيامدهاي آن (آلودگي هوا، مسمويت تدريجي مردم، آلودگي صوتي، افزايش مصرف انرژي، اتلاف وقت، مسائل رواني و ...)، بيكاري، فقر، كاهش سرمايه اجتماعي، تفكيك نامنسجم توأم با فردگرايي‌هاي خود‌خواهانه و جمع‌گرايي‌هاي خاص‌گرايانه، اعتياد، قانون‌گريزي و قانون‌ستيزي، ضعف فرهنگ شهرنشيني و ضعف وفاق و همدلی، ضعف و حتی فقدان فهم مشترك بین اقوام و گروه‌هاي اجتماعي ساکن نسبت به اهداف و منافع مشترک و راه‌هاي رسيدن به آن‌ها، سطحي‌نگري و غلبه نگاه سخت‌افزاري بر نگاه نرم‌افزاري و ساختار سيستم‌نهاد بر ساختار مردم‌نهاد و در نتيجه عمده شدن ابعاد و مسائل فيزيكي و اقتصادي و در حاشيه قرار گرفتن ابعاد معنوی، فرهنگي و اجتماعي مربوط به شهر، شهروندان و شهرداري (عبداللهی1389) روبروست.

مؤسسه مرسر Mercer هرساله با در نظرگرفتن 39 معیار به ارزیابی وضعیت زندگی در شهرهای جهان می‌پردازد. این مؤسسه با بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در اغلب شهرهای مهم کشورهای مختلف جهان این شهرها را رتبه‌بندی می‌نماید و بهترین و بدترین شهرهای جهان را برای زندگی معرفی می‌کند. طبق گزارش این مؤسسه در سال 2011، شهر وین در اتریش رتبه اول را به لحاظ کیفیت زندگی به خود اختصاص داد. زوریخ سوئیس در جایگاه دوم، اوکلند در نیوزلند، جایگاه سوم، مونیخ آلمان در جایگاه چهارم، دولسدورف آلمان در جایگاه پنجم، ونکوور کانادا در جایگاه ششم، فرانکفورت آلمان در جایگاه هفتم، ژنو و برن در سوئیس در جایگاه های هشتم و نهم و کوپنهاگ دانمارک در جایگاه دهم قرار داشته است. طبق گزارشهای این مؤسسه، رتبه شهر تهران در سال‌های 2007 و 2008 حدود 176 بوده و در سال های بعد نیز رتبه‌اش تنزل یافته است. در سال 2009 ، 176 و در سال 2010 رتبه شهر تهران، 183 در بین 221 شهر اعلام شد. در سال 2011 رتبه شهر تهران بازهم کمتر و در بین 215 شهر به 187 تنزل یافت. در بین شهرهای منطقه خاورمیانه شهر دوبی رتبه اول را به خود اختصاص داد. (<http://www.mercer.com>)

طی دورۀ (1375 تا 1385) رشد بهای اجاره مسکن سالانه 30 درصد افزایش یافته و قیمت یک واحد مسکونی به طور میانگین 4 تا 5 برابر شده است. این درحالیست که ظرفیت سکونت در شهر تهران با توجهبه افزایش ساخت‌و‌سازهای طبقاتی طی ده ساله فوق 40 درصد افزایش یافته است. (وظیفه دوست، امینی، 1388: 3) شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری ایران حاکی از رشد 8 درصدی در دوازده ماه منتهی به شهریور 1390 نسبت به مدت مشابه در سال 1389 است. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1390)

قشربندی اجتماعی جمعیت تهران و مناطق پیرامون آن به خوبی رانش گروه‌های کم درآمد به حاشیه و تمرکز فقر در پیرامون تهران را نشان می دهد. (همان: 3)

اساسی‌ترین مشکلات شهر تهران که به مرز بحران نزدیک شده است و کیفیت زندگی شهر را برای ساکنانش به نازل‌ترین سطح ممکن رسانده است عبارتند از:

مسائل زیست محیطی (آلودگی هوا)

بلایای طبیعی (احتمال وقوع زلزله)

مشکلات امنیتی (تنش‌های طبقاتی)

آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، جرم و بزهکاری

افزایش هزینه‌ها، گرانی زمین و مسکن

مشکلات مربوط به حمل و نقل ترافیک و اتلاف زمان

وضعیت جرائم و آسیب های اجتماعی در شهر تهران

تجارب علمی حاکی از این است که در مناطق شهری رابطه مستقیمی بین بی‌عدالتی یا نابرابری، محرومیت و خشونت و جرم برقرار است... و جملگی این آسیب‌ها، امنیت، رفاه و توسعه شهری را با چالش مواجه می‌نمایند و تهدیدی جدی برای مسئولیت‌پذیری عمومی و مشارکت مدنی شهروندان محسوب میشوند. (هابیتات، 2001) تحقیقات گسترده در رابطه با خشونت شهری در هر دو سطح خرد و کلان نشان می‌دهد که خشونت افزایش یافته است. (هابیتات، 2001: 394) جرم، ناامنی و بزهکاری جزء عواملی هستند که به شدت بر کیفیت زندگی در یک ناحیه اثر منفی دارند. زیرا امنیت و سلامت اجتماعی از ابعاد و مؤلفه‌های بسیار مهم زندگی سالم و با کیفیت به ویژه در شهر محسوب می‌شود. نگاهی به آمار جرائم و آسیب‌های اجتماعی شهر تهران نشان می‌دهد که این شهر با روند ناخوشایند و نگران‌ کننده‌ای روبروست. جدول زیر که آمار برخی از جرائم و معضلات اجتماعی را طی سال‌های 1380 تا 1385 ارائه می‌کند حاکی از گسترش روند معضلات اجتماعی در سطح شهر تهران است.

پرونده های تشکیل شده توسط نیروی انتظامی در جرائم مختلف

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | کل پرونده های تشکیل شده (تعداد) | قتل عمد (تعداد) | مرگ مشکوک (تعداد) | سرقت (تعداد) | سرقت وسایل نقلیه (تعداد) | مرگ بر اثر اعتیاد (تعداد) | مواد مخدر مکشوفه (کیلوگرم) |
| 1380 | 15618 | 134 | 1626 | 32390 | 16372 | 220 | 7350 |
| 1381 | 22317 | 141 | 2134 | 33419 | 18611 | 329 | 5702 |
| 1382 | 17389 | 181 | 2093 | 54649 | 26649 | 1187 | 4767 |
| 1383 | 17559 | 178 | 2322 | 40892 | 23761 | 796 | 8515 |
| 1384 | 17025 | 228 | 2964 | 48048 | 30326 | 985 | 4949 |
| 1385 | 15001 | 246 | 3923 | 51100 | 32046 | 982 | 7407 |

مأخذ: شهرداری تهران، سالنامه آماری شهر تهران، 1385 ، بخش امور قضایی، صص 85 تا 87.

یکی دیگر از معضلاتی که شهرداری‌های تهران با آن مواجه‌اند، بی‌شک معضل ارتشاء است که در مصاحبه با بسیاری از کارشناسان و مطلعان مدیریت شهری به آن اشاره گردیده است ، اما آمار دقیقی برای ارائه در دسترس نیست. این معضل نه تنها در شهر تهران بلکه در بسیاری از شهرداری‌های شهرهای مهم دنیا نیز مشهود است. به طوریکه سازمان‌های بین‌المللی توسعه و تقویت حکمروایی خوب شهری را در گرو ایجاد بستری برای کاهش فساد اداری رشوه دانسته‌اد. به زعم هابیتات (2001: 380) یکی از چالش‌های مهمی که شهرداری‌ها امروزه با آن مواجه هستند، چگونگی کاهش رشوه‌خواری است. زیرا رشوه خواری اثرات منفی فراوانی بر ارائه خدمات شهری و جلب مشارکت و اعتماد شهروندان نسبت به مدیران و مسئولان شهر دارد. رشوه خواری سوءاستفاده اداری در راستای منافع شخصی است. در واقع رشوه‌خواری به معنی تعیین قیمت غیرقانونی برای ارائه خدمات یا استفاده از قدرت و نفوذ اداری برای اهداف غیرقانونی است. برای کاهش رشوه خواری، حکمروایی خوب شهری بر ارتقاء و بهبود امکانات، فن‌آوری‌ها و شیوه‌هایی تأکید دارد که موجب شفافیت و دسترسی آزاد فعالان و کنشگران امور شهری و کلیه شهروندان به اطلاعات و خدمات مورد نیاز دارد. همچنین سازوکارهایی باید تعبیه شود تا قابلیت دسترسی به مسکن، شغل، نیازها و خدمات مربوط به تأمین اجتماعی، آب سالم، حمل و نقل و سایر خدمات شهری به صورت آسان، ارزان، با کیفیت و توأم با جلب رضایت و اعتماد شهروندان در دسترس همه به صورت عادلانه قرار گیرد. براساس ارزیابی‌های کیفی و کمی متعدد میزان اعتماد شهروندان به شهرداری در سطح مطلوبی قرار ندارد و اغلب از آن به عنوان یکی از عوامل کاهش سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد شهروندان یاد می کنند. لذا اگر بهبود کیفیت زندگی شهری از طریق حکمروایی خوب شهری مورد توجه شهرداری قرار دارد، باید ابتدا با فائق آمدن بر این معضل اعتماد شهروندان جلب شود. این هدف با شفاف سازی و پاسخگویی و حسابدهی شهرداری و مدیران شهری به عاملان و کنش‌گران و شهروندان قابل حصول است که جملگی جزء اصول حکمروایی خوب شهری نیز هستند.

جرائم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی هزینه‌ها و پیامدهای ناگوار زیادی بر شهر تحمیل می‌کنند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به: فرسایش سرمایه فیزیکی و اقتصادی، فرسایش سرمایه طبیعی، فرسایش سرمایه انسانی ، فرسایش سرمایه اجتماعی (هابیتات، 2001: 396) اشاره کرد.

یکی از راه‌کارهای مقابله با خشونت و بزهکاری در مناطق شهری تقویت سرماهی اجتماعی است. در این رویکرد بر تقویت شبکه‌ها و روابط اجتماعی حول فعالیت‌های مولد و سالم در سطح گروه‌های کوچک در محلات و نواحی شهری تأکید می‌شود و تمرکز آن بیشتر روی جوانان و نوجوانان است. «در بسیاری شهرها، باشگاه‌های جوانان فرصت‌های تفریحی و فراغتی متعددی را ایجاد می‌کند که حس اعتماد و انسجام اجتماعی را در جوانان افرایش می‌دهد. این پروژه‌ها معمولاً برای جوانان و نوجونان مکانهایی عاری از دخانیات، مواد مخدر و الکل و رفتارهای پرخطر فراهم می‌نمایند. در این مکان‌ها جوانان به فعالیت‌هایی چون ورزش، موسیقی و روابط سالم دوستانه تشویق و هدایت می‌شوند. این برنامه‌های فرهنگی در اغلب محلات مفید و مؤثر است به ویژه در محله‌های حاشیه‌ای نقش فوق‌العاده‌ای در کاهش گرایش به گروه‌های تبهکار و بزهکاری و به تبع آن کاهش نرخ خشونت و جرم دارد. (هابیتات، 2001: 401)

# عوامل مؤثر بر افت کیفیت زندگی شهری در شهر تهران

عوامل افت و پایین بودن کیفیت زندگی شهری در تهران را می توان در چند دسته کلی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

1 – عوامل طبیعی و اقلیمی :

محیط اقلیمی تهران نسبتآً بسته است و بادهای غالب غربی آن و رخداد وارونگی دمایی در فصول سرد سال مانع از تهویه هوای آلوده و ذرات غبار موجود در آن که ناشی از تراکم جمعیت، فعالیت‌های صنعتی و تراکم خودروهاست می‌گردد. به بیان دیگر تراکم بیش از اندازه جمعیت تهران، فشردگی بافت مسکونی، تولید زباله و مواد زاید، ورود غبار از نواحی خشک و کویری جنوب، شکل‌گیری وارونگی دمایی و ... سبب شده‌اند که شهر تهران جزو شهرهای بسیار آلوده جهان درآید. (علیجانی، 1387: 19)

مطالعه وضعیت بارندگی و دمای هوای شهر تهران نیز حاکی از کاهش میزان بارندگی و افزایش دمای این شهر طی دوره 40 ساله (1961 تا 2005 ) بوده (علیجانی، 1387) که بیانگر تداوم مشکلات اقلیمی و آلودگی هوای این شهر است.

2 – عوامل اقتصادی

بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که چالش‌های مالی و اقتصادی بزرگترین دغدغه مدیران شهرداری‌ها را تشکیل داده و فروش تراکم به عنوان یکی از راه‌های مقابله با این معضل مورد استفاده قرار گرفته که اثرات سوئی بر ظهور مشکلات دیگر در سطح شهر از جمله ازدحام ترافیک، آلودگی، پایین آمدن کیفیت ارائه خدمات شهری، افزایش درگیری‌ها و تنش‌های بین شهروندان، تضییق حقوق شهروندی و پایین آمدن قابلیت زندگی گذاشته است. (عسکری و کاظمیان، 1385 : 10 )

3 – عوامل اجتماعی – فرهنگی

از مهمترین دلایل پایین بودن کیفیت زندگی در ایران و شهر تهران می‌توان به رشد فزاینده شهرگرایی و مهاجرت به شهرها و گسترش شهرنشینی از یکسو و نهادینه نشدن فرهنگ شهرنشینی، شکل‌ نگرفتن شهروندی یا التزام به حقوق شهروندی، نازل بودن میزان مشارکت مدنی و اجتماعی در امور شهری از سوی دیگر اشاره کرد. برخی از پژوهش‌ها بر ضعف آشنایی شهروندان با مفهوم شهروندی و حقوق و تکالیف مترتب بر آن پای‌فشرده‌اند. این در حالیست که مطالعه ساختار مدیریتی شهرهای مختلف جهان نشانگر این نکته است که توسعه مستمر شهر و ارائه خدمات کیفی، در گرو وجود یک ساختار مدیریت شهری یک‌پارچه و آینده‌نگر و وجود شهروندانی فرهیخته و دغدغه‌مند است. (نیازی، 1387: 37) در واقع نوعی گسست و شکاف عمیق بین رشد شهرگرایی و رشد شهرنشینی پدید آمده است که آسیب‌ها و مشکلات را می‌توان از رهگذر آن تبیین نمود. شهرگرایی به این معناست که افراد از روستاها و نواحی غیرشهری وارد محیط‌های شهری شده‌اند یا تمایل به شهری شدن دارند ولی شهرنشینی به این معناست که افراد با فرهنگ و ارزش ها و هنجارها و الزامات شهرنشینی آشنا شده و بدان‌ها التزام عملی دارند و این فرهنگ شهری را پذیرفته و نهادینه نموده‌اند. اگر شهر زوریخ یا برن یا دولسدورف و یا دیگر شهرهای اروپایی جایگاه ممتازی در کیفیت زندگی شهری دارند، یکی از دلایل آن بی‌شک فرهنگ شهرنشینی ساکنان این شهرهاست. مروری بر آمار رشد شهرنشینی نشان می‌دهد که چگونه بین رشد فیزیکی و جمعیتی شهرها که در فاصله زمانی کوتاهی ایجاد شده و نهادینه شدن فرهنگ شهرنشینی که مستلزم فرایندی طولانی است شکاف بوجود آمده است.

مطالعه روندهای جهانی نشان می‌دهد، که جمعیت شهری دنیا با روندی تصاعدی روبرو بوده است و برمبنای این تغییر و تحولات برخی از جامعه‌شناسان براین باورند که در آینده شکل اصلی و فراگیر اجتماعات انسانی شهری خواهد بود. مجموعه‌های شهری در حال گسترش است و زندگی اجتماعی حتی در مناطق دور از شهرها متأثر از سبک زندگی شهرنشینی است.

### جمعیت شهری و روستایی جهان (1950 تا 2030 ) (ارقام به میلیارد نفر)

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| جمعیت جهان | 1950 | 1975 | 2000 | 2005 | 2030 |
| کل جمعیت | 52/2 | 07/4 | 09/6 | 46/6 | 20/8 |
| جمعیت شهری | 73/0 | 52/1 | 84/2 | 15/3 | 91/4 |
| جمعیت روستایی | 79/1 | 56/2 | 24/3 | 31/3 | 29/3 |
| درصد جمعیت شهری | 29 | 2/37 | 7/46 | 7/48 | 9/59 |

مأخذ: مستخرج از آمارهای گزارش جهانی جمعیت، 2011

روند رشد شهرنشینی در ایران نیز مشابه الگوهای جهانی و در سطح کشورهای توسعه یافته است. در سال 1335، 4/31 درصد از جمعیت ایران شهرنشین بودند که در سال 1390 ، این نسبت به 71 درصد بالغ شده که معادل کشورهای توسعه یافته است. این امر نشان می دهد که شکل غالب زندگی اجتماعی در ایران شهری است.

### نسبت شهرنشینی 1335 تا 1390 در ایران (درصد)

روند رو به تزاید جمعیت شهری در ایران نیز در طول چند دهه‌ی اخیر محسوس و چشم‌گیر بوده است. جمعیت شهرنشین کشور طی نیم قرن اخیر از ٣١ درصد به حدود ٧٠ درصد افزایش یافته است. بیشترین میزان این رشد مربوط به دوره پس از اصلاحات ارضی می‌باشد که تولید کشاورزی با رکود مواجه شد و به موازات آن نوسازی و تولید کارخانه‌ای و صنایع مونتاژ در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشور پا گرفت.

پس از انقلاب علی‌رغم توجه به عمران روستایی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، روند مهاجرت روستائیان به شهرها تداوم یافت و در فاصله ٢٠ سال ( سال‌های ٥٥ تا ٧٥) ٢٠ میلیون نفر بر جمعیت شهری افزوده شد.

با توجه به روند فزاینده رشد جمعیت شهری، دور از انتظار نخواهد بود که همچنان مشکلات شهرنشینی شامل حاشیه‌نشینی، ازدحام ترافیک و ساماندهی حمل و نقل شهری، ارائه خدمات عمومی، آلودگی، آب و فاضلاب شهری ادامه یابد.

**مقایسه جمعیت شهر تهران با جمعیت کل کشور از سال 1335 الی 1390(هزار نفر)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| سال (شمسی) | کل کشور | شهر تهران | نسبت جمعیت شهر تهران به کل کشور (درصد) |
| 1335 | 18900 | 1500 | 8 |
| 1345 | 25800 | 2720 | 5/10 |
| 1355 | 33700 | 4530 | 4/13 |
| 1365 | 49400 | 6050 | 2/12 |
| 1370 | 55800 | 6480 | 6/11 |
| 1375 | 60100 | 6700 | 3/11 |
| 1385 | 70496 | 7872 | 2/11 |
| 1390 | 75150 | 8332 | 9/11 |

مرکز آمار ایران ، نتایج سرشماری سال های 1335 تا 1390

براساس نتایج سرشماری 1390 ، از جمعیت 74 میلیون و 961 هزار و 702 نفری کشور، 71 درصد در شهرها و 29 درصد در روستاها زندگی می‌کنند. هم‌چنین طبق آمار جدول فوق، جمعیت کشور در سال 1390 نسبت به سال 1335، چهار برابر شده است، در حالیکه جمعیت شهر تهران در همین مدت 6/5 برابر شده است. لذا می‌توان انتظار داشت که مشکلات شهری در تهران به طور فزاینده‌ای بیش از سایر شهرهای کشور باشد.

4 – عوامل حقوقی و سیاسی :

در بین عوامل حقوقی و سیاسی، می‌توان به موانعی اشاره کرد که از نظر ساختار سیاسی حاکم بر اداره شهرها زمینه و بستر لازم برای فعالیت و مشارکت شهروندان را فراهم نمی کند. به عنوان مثال موانعی وجود دارد که مدیران شهری اگر هم بخواهند مشارکت مردم و گروه‌های ذینفع شهری را به مشارکت وادارند، توفیق نمی‌یابند. به عنوان نمونه می توان به شکل‌گیری سراهای محله در شهر تهران اشاره کرد که برخی آن را با قوانین موجود مغایر ارزیابی می‌کنند. لذا اگر حکمروایی خوب شهری مستلزم تقویت مشارکت اجتماعی و در نتیجه توسعه پایدار شهری و ارتقاء کیفیت زندگی است باید موانع حقوقی و قانونی و سیاسی برسر راه مشارکت اجتماعی برداشته شود. شوراهای شهری تقویت شوند و اداره امور شهر با تکمیل نهاد شورا در کلیه سطوح و نافذ کردن تصمیمات شوراها به سومت حکمروایی خوب شهری سوق داده شود.

اگرچه شهرداري‌ها در ساختار اداري ايران «مؤسسه عمومي غيردولتي» محسوب مي‏شوند، اما به اعتبار نهاد عمومي بودن و به عنوان حلقه واسط بخش عمومي و بخش دولتي موظف به هماهنگي با فرمانداري هستند و شهردار يكي از اعضاي شوراي ادراي شهرستان است. انتخاب شهردار به عهده شوراي شهر است، اما اين انتخاب پس از تأييد و صدور حكم از طرف استاندار (براي شهرهاي كمتر از 200 هزار نفر جمعيت) و يا وزير كشور (براي مراكز استان و يا شهرهاي با جمعيت بيش از 200 هزار نفر) رسميت مي‏يابد. بر اساس همين نفوذ و قدرتي كه دولت بر شهرداري‌ها دارد، فرمانداري مي‏تواند به تصميمات شوراي شهر اعتراض كرده و اجراي آنها را متوقف كند.

با توجه به اين كه در محدوده هر شهرستان ممكن است يك يا چند شهر وجود داشته باشد. شهرداري صرفاّ در حد محدوده قانوني و حريم شهر مسؤوليت دارد و نظارت بر محدوده‏هاي خارج از آن مستقيماً بر عهده فرمانداري و واحدهاي تابعه است.

تشخيص و تعيين يك سكونتگاه به عنوان شهر به پيشنهاد وزارت كشور و تصويب هيئت دولت صورت مي‏گيرد. سيستم مديريت شهري، اصولاً به عنوان يك سطح و رده فضايي مديريت محلي براي اداره يك شهر به عنوان يك واحد فضايي، مطرح است. اما در نظام كلان اداري ـ اجرايي كشور چنين نگرشي نسبت به مديريت شهري و هويت مستقل و مجزاي آن وجود ندارد و ساختار اداره بخشي و تمركزگرا امكان چنداني براي پيدايش و تكوين سيستم‏هاي مديريت فضايي و افقي ايجاد نكرده است. (كاظميان و سعيدي، 1383: 126ـ 127)

5 – عوامل مدیریتی

در وضعیت موجود "نظام مدیریت شهری" کشور از دو منظر ساختاری و کارکردی با چالش جدی مواجه است. از دیدگاه ساختاری و با نگرش سیستمی، روابط و تعاملات نظام مدیریت شهری - به مثابه یک سیستم باز - با سیستم‌های فراسطح و نظام‌های ملی هم‌چون وزارت‌خانه‌ها و شوراهای عالی و نظام‌های منطقه‌ای از قبیل ادارات کل و استانداری‌ها به سبب تمرکز در ساختار سیاسی ـ مدیریتی کشور دارای نوعی رابطه خطی ـ عمودی و یک سویه بوده، لذا مدیریتی منفعل است. از نظر رابطه با سیستم‌های هم‌سطح و محلی، هم‌چون ادارات تابعه دستگاه‌های اجرایی و فرمانداری‌ها به دلیل وجود روابط ناهماهنگ، مدیریتی چندپارچه است و نسبت به سیستم‌های فروسطح و داخلی نیز به لحاظ فقدان انسجام کافی در تعاملات سیستمی، مدیریتی غیرمنسجم و از نظر محیطی به جهت عدم برخورداری از بسترهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی تحت تأثیر پاره‌ای قانون‌گریزی‌ها، مشارکت ناکافی از سوی مردم و فشار از سوی برخی سازمان‌های غیررسمی قرار داشته، بنابراین نظام «مدیریت شهری» کشور در محیط نامساعدی ایفای نقش می‌نماید. (نوبخت، 1388 : 416 - 417)

نتیجه گیری

امروزه کیفیت زندگی شهری به مهمترین غدغه شهروندان و نخبگان و مدیران شهری بدل شده است. برخورداری از شرایط و امکانات شهری و دسترسی و تأمین نیازهایی چون آب سالم، برق، تلفن، سرویس‌های حمل و نقل عمومی (مانند اتوبوس و مترو)، تراکم پایین ترافیک، فضاهای مناسب خدماتی هم‌چون رستوران‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، سالن‌های ورزشی، فضای سبز مناسب، پارک‌ها، باغ‌ها و بوستان‌ها و جنگل‌های شهری، مدارس و دانشگاه‌ها با استاندارد مناسب آموزشی از جمله مهمترین مسائل و چالش‌هایی است که مدیران شهری با آن روبرویند و تأمین این نیازها شاخص کیفیت زندگی شهری را به طور محسوسی ارتقا بخشیده و قابلیت زندگی شهری را بالا می‌برد. در بین این مولفه‌ها، بهداشت، سلامت و حفاظت محیط زیست و امنیت در شهرها هم‌چنان از اولویت خاصی برخوردار است. آلودگی هوا، فقدان شبکه فاضلاب، دفع نامناسب پسماند‌ها ضعف در بازیافت زباله‌های شهری می‌تواند سلامت ساکنان شهر را به مخاطره اندازد. هم‌چنین وجود بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مناسب به نسبت جمعیت ساکن در هر شهر از شاخص‌های یک شهر باکیفیت است. بهره‌مندی ساکنان شهر از مسکن مناسب و ارزان، سرویس های خدمات و تعمیر لوازم منزل و نظایر آن نیز از ویژگی‌های یک شهر سالم و با کیفیت است. (مختاری و نظری، 1389 : 14 ) بنابراین فاکتورهای زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، امنیتی، آموزشی، حمل و نقل، مسکن، اوقات فراغت و مدیریت زباله و دیگر خدمات شهری جزء مهمترین معیارهایی است که چنانچه در ساختار مدیریت شهرها به درستی بدان‌ها پرداخته شود، می‌تواند شهری سالم و با کیفیت و قابلیت زندگی را برای شهروندان فراهم سازد.

دستیابی به شهری با قابلیت زندگی و کیفیت زندگی شهری بالا که در آن امکانات و نیازهای فوق الذکر تأمین شود در گرو تحقق الگوی حکمروایی خوب شهری است که اجماع، مشروعیت و اثربخشی تصمیمات را فراهم کند و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری و اداره امور شهرها را تضمین نماید. از این رو حکمروایی خوب الگویی برای استفاده بهینه از منابع و اختیارات به منظور نیل به اهداف و آرمان‌های توسعه پایدار تلقی شده است. توسعه‌ای که تضمین کننده تحقق عدالت، نظم، امنیت و سلامت فرد و جامعه و حفاظت بهینه از منابع زیستی در کنار رفاه و پیشرفت و بالندگی و رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های آحاد جامعه و قابلیت‌های محیطی است. با این تعریف می‌توان گفت که حکمروایی خوب یک پیش‌نیاز اساسی برای توسعه پایدار است. در کشورهای مختلف با منابع طبیعی و ساختار اجتماعی مشابه و برابر، با تفاوت در شیوه‌های مدیریت و اجرا نشان داده شده است که بهبود سطح زندگی و رفاه جامعه به صورت متفاوتی ارتقاء یا کاهش یافته است. (Downer.2000:5) حکمروایی خوب شهری قادر است بین سه قلمرو جامعه، اقتصاد و محیط زیست تعامل، هماهنگی و سازگاری ایجاد ‌کند و با این کار سلامت و کیفیت زندگی شهری را به ارمغان ‌آورد. منظور از سلامت در این مفهوم فراهم کردن نظم و امنیت و آرامش و زمینه‌های رشد و شکوفایی استعدادهای افراد و بهره‌برداری بهینه و بدون تخریب از منابع محیط است. در تعامل بین اقتصاد و محیط زیست باید به گونه‌ای عمل شود تا بهره‌برداری از منابع زیستی منجر به تخریب محیط و منابع و محروم کردن نسل‌های آتی از این منابع نشود. بهره‌بردای باید به گونه‌ای صورت گیرد که منابع بازتولید شوند و محیط زیست تجدید‌پذیر باشد. در تعامل بین محیط زیست و جامعه باید شرایط و زمینه‌های زندگی سالم و با کیفیت فراهم شود. آحاد جامعه باید بتوانند از محیط زیست سالم برخوردار شوند و آرامش و رضایت و سلامتی آنها تضمین شود. هم‌چنین در تعامل بین جامعه و اقتصاد نیز باید به گونه‌ای عمل شود تا عدالت و برابری بوجود آید و از نابرابری و تبعیض در برخورداری از مزایای اجتماعی و اقتصادی جلوگیری به عمل آید. نمودار زیر قلمروهای سه گانه توسعه پایدار شهری و آثار و پیامدهای آن را در هر قلمرو نشان می‌دهد.

قلمروها و پیامدهای توسعه پایدار شهری

**قابلیت زندگی**

**عدالت**

**پایداری**

**سلامت**

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که توجه به مقوله‌ي کیفیت زندگی، ناشی از رویکردی است که بر توسعه‌ی پایدار، مشارکتی و مردم‌محور تأکید دارد. طبق این رویکرد دولت‌ها و حکومت‌ها باید بتوانند براساس ارزش‌ها و مبانی فرهنگی مردم و با جلب مشارکت آنها، نیازها و مشکلات را شناسایی و تغییر و تحولات را برنامه‌ریزی و مدیریت کنند. تا ضمن بهبود شرابط زندگی و ارتقاء سطح رفاه مادی، نظم، امنیت، عدالت و سلامت روانی و اجتماعی جامعه نیز حفظ شده یا بهبود یابد. توسعه‌ای که با مبانی فرهنگی و ارزشی یک جامعه مغایر یا متضاد باشد، پایدار نخواهد بود. تجربه‌ی تحولات سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی ایران، رشد جنبش‌های اسلامگرایانه در ترکیه، مصر و دیگر کشورهای اسلامی و تحولات سیاسی متناظر با آن‌ها به یک معنا و در بیشتر ابعاد نشانگر نوعی مفاومت اجتماعی و فرهنگی در برابر مدل‌های وارداتی و اغلب غربی توسعه در این کشورها است. از این رو توسعه پایدار شهری و دستیابی به کیفیت زندگی شهری و زیست‌پذیری شهرها در گرو حاکمیت خوب شهری است که در آن بر الگوهای اجتماعی و فرهنگی و مشارکتی اداره امور شهری تأکید می‌شود.

# منابع

باندز، مایکل، (1390) «نظریه اجتماعی شهری، (شهر، خود و جامعه)»، ترجمه دکتر رحمت الله صدیق سروستانی، انتشارت دانشگاه تهران، چاپ اول.

بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران، مديريت كل آمارهاي اقتصادي، اداره آمار اقتصادي، دايره شاخص بهاي مسكن اجاري، شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری، آبان ماه 1390.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (1390)، شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری ایران، سه ماه دوم 1390، آبان ماه.

برك‌پور، ناصر، و ايرج اسدي( 1388)، مديريت و حكمروايي شهري، انتشارات دانشگاه هنر.

برک پور، ناصر, (1388)، حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.

تانکیس، فرن، (1388) «فضا، شهر و نظریه اجتماعی» ترجمع حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

تقوایی، علی اکبر، تاجدار، رسول، (1388)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره 23. صص 58- 45.

رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین، ستاری ، محدحسین، (1388)، توسعه و سنجش شاخص هاي كيفيت زندگي شهري، مجله مطالعات و پژوهشهاي شهري و منطقه‌اي، سال اول، شماره دوم، پاييز.

سعيدنيا،احمد(1380) ، مديريت شهري، انتشارات سازمان شهرداري هاي كشور.

شهرداری تهران، سالنامه آماری شهر تهران، 1385.

عبداللهی، محمد(1389) راهبردهاي تبديل شهرداري تهران از سازمان خدماتي به نهادي اجتماعي، معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران.

عسکری، علی، کاظمیان، غلامرضا، (1385)، «شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه شهری کشور»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ١8، پاییز.

عسگری (آ)، علی، (1378)، «طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی»، مرحله اول.

غفاری نسب، اسفندیار (1391)، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، فصلنامه مطالعات شهری, سال دوم، شماره دوم، بهار 1391، صص 139- 162.

فرجی ملائی، ‌امین؛ عظیمی، آزاده؛ زیاری، کرامت اله (1389) «تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران» مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری سال اول، شماره دوم پاییز 1389.

فرزین پاک، شهرزاد (1383)، «از آموختنی‌های شهر: حکمروایی خوب چیست؟» شهرداریها، سال ششم، شماره 69، بهمن 1383.

قالیباف، محمدباقر، روستایی، مجتبی، (1390)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی محله یافت آباد تهران)، فصلنامه جغرافبا، دوره جدید، سال نهم، شماره 31، زمستان 1390.

کاظمیان ، غلامرضا، (1386)، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره 19 و 20.

کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، (1383)، «امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها»، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، جلدهای سوم و چهارم، چاپ اول.

لطفی، صدیقه، (1388)، مفهوم كيفيت زندگي شهري: تعاريف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ريزي شهري، فصلنامه علمي پژوهشي جغرافياي انساني – سال اول، شماره چهارم، پاييز .

لطیفی، صدیقه، 1388، «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری»، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم، پاییز 1388، صص 65- 80

مختاری، مرضیه، نظری، جواد، (1389)، جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران، چاپ اول ، انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز آمار ایران ، نتایج سرشماری سال های 1335 تا 1390

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات) (2000) شهرها در فرایند جهانی شدن، گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی، ترجمه رضا پورخردمند و دیگران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، چاپ اول 1388.

ملکی، لادن، حبیبی, میترا ، (1390)، ارزیابی کیفیت محیط در محله های شهری، نامه معماری و شهرسازی، شماره 7 ، پاییز و زمستان 1390.

نوبخت، محمدباقر و همکاران، (1388)، تدوین سیاست­های کلی ارتقای جایگاه مدیریت شهری در ساختار سیاسی - مدیریتی کشور و طراحی سازو کار اجرایی تحقق مدیریت کارآمد شهری در تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، گزارش مرحله اول پژوهش.

نیازی، محسن (1387)، «سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده مدیریت شهری»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ٨٨، اردیبهشت ١٣٨٧.

وصالی، سعید و توکل، محمد مهدی، (1391)؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات شهری, سال دوم، شماره دوم ، بهار 1391، صص 139- 162.

وظیفه‌دوست، حسین؛ امینی، مهدی (1388)، «بررسی میزان اهمیت شاخص‌های کیفیت زندگی شهری تهران» فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول، پیش شماره سوم، زمستان 1388.

Costanza, R. 2007, Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, Ecological Economics, 61(2-3).

Das, D., 2008, Urban Quality of Life: A case study of Guwahati, Social Indicators Research, 88.

Downer, Alexander, (2000), Good Governance, Australia , Canberra , Mailing Center.

Healthy City Toronto. (1993).Toronto's first state of city report. Healthy City Project, Toronto.

Massam, B.H. (2002),"Quality of life: Public planning and private living. Progress in Planning, 58:141–227.

McCrea, R., Shyy, T., Stimson, R. (2006).What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?. Applied Research in Quality of Life, 1: 79–96.

Mercer Quality of Living Survey – Worldwide Ranking, 2011, 2010, 2029, 2008, 2007. <http://www.mercer.com>

Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human well being a social geographical perspective, Landscape and Urban Planning, 65(1-2).

World Bank, (2011), World Development Report.

1. - دکتری جامعه شناسی و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان Masoumirad@guilan.ac.ir [↑](#footnote-ref-2)
2. - More Responsive [↑](#footnote-ref-3)
3. - More Relevant [↑](#footnote-ref-4)
4. Habitat [↑](#footnote-ref-5)
5. Enabling approach [↑](#footnote-ref-6)
6. decentralization [↑](#footnote-ref-7)
7. subsidiarity [↑](#footnote-ref-8)
8. accountability [↑](#footnote-ref-9)
9. Building capacity [↑](#footnote-ref-10)